

جستاری درباره حوزه‌های معنایی مصادیق سوء تعبیر در اصل و برگردان فارسی رمان «ناتور دشت» و راهبردهای برگردان آن‌ها^۱

علیرضا راستی^۲

چکیده

پژوهش حاضر به شناسایی و تطبیق حوزه‌های معنایی عبارات بیان‌گر سوء تعبیر در اصل و برگردان رمان *ناتور دشت* پرداخته‌است. هدف دیگر، شناسایی راهبردهای مورد استفاده مترجم در وضع برابرنهاده‌ها است. بدین منظور، رمان مزبور که حاوی مصادیق بسیار سوء تعبیر در روایت اول شخص راوی نوجوان داستان است، گزینش و بررسی شد تا ابتدا حوزه‌های معنایی مصادیق سوء تعبیر در آن مشخص شود، سپس مقایسه‌ای بین نمونه‌های آن در اصل اثر و برگردان فارسی به ترجمه نجفی با محوریت حوزه‌های مزبور صورت بگیرد. در بررسی رمان شش حوزه معنایی سوء تعبیر در اصل انگلیسی اثر (تخلیه بدنی، مسائل جنسی، مذهب، حیوانات، جنون و عقب‌ماندگی ذهنی، کثافت) استخراج گردید و در مراحل بعدی پژوهش موارد شمول آن‌ها در اصل و برگردان اثر شناسایی و مقایسه شد. سه حوزه مذهب، جنون، و مسائل جنسی به ترتیب فراوانی حدود ۸۵٪ کل مصادیق سوء تعبیر را تشکیل می‌دادند. در پیوند با راهبردهای برگردان مورد استفاده مترجم، حذف، انتقال یکسان مصادیق حوزه‌های معنایی، انتقال متفاوت مصادیق حوزه‌های معنایی، تبدیل مصادیق سوء تعبیر شدید به خفیف، و تبدیل مصادیق سوء تعبیر به موارد بیان حسن تعبیر، رخداد بسیاری داشتند. یافته‌های پژوهش‌هایی از این دست می‌توانند به پیشبرد مطالعات و مباحث عمدتاً نادر سوء/حسن تعبیر در سطح زبان‌های مختلف کمک نمایند.

واژه‌های راهنما: حوزه‌های معنایی، سوء تعبیر، ادب روایی، *ناتور دشت*، سلینجر، محمد نجفی

۱. این مقاله در تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۷ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۰/۰۶/۰۸ به تصویب رسید.

۲. استادیار زبان‌شناسی کاربردی، گروه زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، ایران؛ پست الکترونیک: a.rasti@kazerunsfu.ac.ir

یکی از نکات مهم در برگردان سبک‌شناسانه آثار زبان مبدأ، به‌ویژه آثار ادبی، توجه به برجستگی^۱ و بسامد بالای عناصری است که یک اثر را از آثار دیگر متمایز می‌سازد. به عنوان مثال، آثار ادب روایی حاوی یک سیاق^۲ بخصوص، عناصر و الزامات زبانی خاص خود را دارند. مترجم چنین آثاری باید در برگردان اثر نهایت تلاش خود را به‌خرج دهد تا آن ظرایف زبانی عمدتاً مربوط به بار معنایی واژگان و عبارات را در متن تولیدی خود بازتاب دهد. از این رهگذر، خواننده متن قادر است شمه‌ای از سبک و سیاق اثر مبدأ را حس کند.

گراف نیست اگر بگوییم آثار ادب روایی حاوی سیاق عامیانه یکی از پرچالش‌ترین گونه‌های ادبی هستند. یکی از ویژگی‌های بارز چنین گونه‌ای به‌واسطه زبان عمدتاً پالایش‌ناپافته آن، کاربرد واژگان و عبارات بیان‌گر سوء تعبیر^۳ می‌باشد، یعنی آن دسته کلماتی که نگرش منفی یا توهین‌آمیز نویسنده نسبت به شخصی یا موضوعی را نشان می‌دهند.

برگردان چنین عناصری عاری از دشواری نیست؛ اولاً، مترجم به‌دلایلی چند مانند الزامات اخلاقی مربوط به بافت فرهنگی خاصی که در آن می‌نویسد و نیز محدودیت‌های قانونی مربوط به ممیزی کتاب و . . . ممکن است ترجمه‌ای احتیاط‌آمیز به‌دست دهد که می‌تواند سبک و سیاق مدنظر نویسنده در کتاب زبان مبدأ را به‌درستی نشان ندهد. ثانیاً، بعضی مترجمان برج‌عاج‌نشین^۴ ناگزیرند به بطن جامعه رجوع کنند و بعضی برابر نهاده‌ها را در افواه مردم کوچه و بازار بیابند که این خود رنج مضاعفی به مترجم وارد می‌آورد.

از این حیث بایسته است متخصصان ترجمه و زبان‌شناسی به میدان بیایند و ترجیحاً به‌صورتی هم‌افزایانه با بررسی ماهیت چالش‌های زبانی مربوط به آثار عامیانه، و نیز راهبردهای برگردان^۵ احتمالی که مترجمان در برخورد با آن‌ها زمان و انرژی بسیاری مصرف می‌نمایند.

1. saliency

2. register

3. dysphemism

4. ivory tower

5. translation strategies

جستاری دربارهٔ حوزه‌های معنایی مصادیق سوء تعبیر در اصل و برگردان فارسی ... ۹

به روشن‌ساختن راه پیش روی ترجمه‌آموزان و مترجمان کمک کنند.

مطابق آنچه گفته شد، پژوهش فعلی با گزینش یکی از شاخص‌ترین آثار معاصر حاوی سیاق عامیانه یعنی *ناتور دشت*^۱ سلینجر^۲ به بررسی یکی از وجوه برجسته و پربسامد آن یعنی مصادیق زبانی سوء تعبیر و ماهیت و میزان انعکاس و نحوهٔ برگردان آن‌ها به فارسی پرداخته است. به نوعی می‌توان گفت که وجه نوآورانه این جستار، پرداختن به موضوعی است که چه در سطح زبان فارسی و چه در عرصهٔ بین‌المللی، هم از بعد نظر و عمل، کم به آن پرداخته شده‌است.

۲. پیشینه پژوهش

در یک نگاه کلی، در باب مطالعات نظام‌مند به مقولهٔ حسن^۳ / سوء تعبیر، به‌ویژه از جنبهٔ زبان‌شناسانه آن، شکاف پژوهشی مشاهده می‌شود که بایسته است متخصصان، ضمن ورود به چنین عرصه‌های پژوهش‌پذیری، در این زمینه‌ها طرح مسئله نمایند و در پی پاسخ پرسش‌های خود برآیند. پژوهش‌ها—اعم از نظری و عملی—که به این دو مقوله که دو روی یک سکه‌اند پرداخته باشند، همان‌طور که در مقدمهٔ جستار فعلی به آن اشاره رفت، در سطح محلی و جهانی اندک و پراکنده‌اند. این بخش از پژوهش فعلی به ذکر و تحلیل این معدود آثار در دو سطح جهانی و محلی (ایران) اختصاص یافته است.

در ایران، همان‌گونه که اشاره شد، مطالعاتی جسته‌وگریخته در باب عمدتاً نحوهٔ برگردان مصادیق شمول تعبیر (در معنای تخصصی آن) و نه ماهیت آن صورت گرفته است. به عنوان مثال، میرزاسوزنی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای مفهومی به دشواری برگردان عبارات حاوی حسن تعبیر، به‌ویژه برای زبان‌آموزان و ترجمه‌آموزان، و نیز ضرورت تسلط مترجم به آن‌ها پرداخت. در یکی دیگر از نخستین پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، شریفی و دارچینیان (۱۳۸۸) به بررسی برگردان مصادیق آن‌چه تابو می‌نامند در ترجمه‌های فارسی روی آورده‌اند و فهرستی مستخرج از راهبردهای مورد استفاده مترجمان را ذکر نموده‌اند.

6. *The Catcher in the Rye*

7. Salinger

8. euphemism

قاضی‌زاده و مردانی کلاتی قشلاق (۱۳۹۱) در مطالعه خود به بررسی روش‌های برگردان تابوهای زبانی و فرهنگی در دوبله فیلم‌های انگلیسی به فارسی پرداخته‌اند. همچنین، در پژوهشی اخیرتر، زندی، بحرینی، سبزواری، و مهدی‌بیرقدار (۱۳۹۷) با رویکردی اجتماعی-شناختی به بررسی تطبیقی ۱۵ جفت اصطلاح و مثل فارسی و انگلیسی پرداخته‌اند تا شباهت‌ها و تفاوت‌های احتمالی دو زبان از حیث پرداختن به موضوعاتی که در جامعه تابو به حساب می‌آید روشن شود. یافته‌های مطالعه نویسندگان مزبور حاکی از آن است که موارد شمول تابو به «به‌گویی» (حسن تعبیر) بدل می‌شوند تا موردپذیرش قاطبه مردم قرار گیرند.

مطالعات صورت‌گرفته در زبان فارسی در عرصه مطالعات ترجمه، بیشتر حول‌وحوش چیستی مفهوم حسن تعبیر و راهکارهای تحقق آن، به‌ویژه در قالب‌های ادب روایی نظیر رمان، بوده‌است. برای نمونه در تحقیقی موردپژوهانه، باقری (۱۳۹۵) روش‌های مورداستفاده مترجم را در روی آوردن به حسن تعبیر در قالب رمان به‌طور عام و رمان چهره به‌یغمارفته به‌طور خاص مورد شناسایی و تحلیل قرار داد. در پژوهشی دیگر، عرب باسط‌آبادی و افضلی (۱۳۹۷)، به کنکاش درباره سازوکارهای حسن تعبیر در برگردان عناصر زبانی حاوی سوء تعبیر در رمان الهویی اثر هیفا بیطار پرداختند. یافته‌های پژوهش محققان حاکی از بسامد بالای نمودهای حسن تعبیر در اثر مورد اشاره بود. مهدیزادخانی، نوروزی، و شکوهمند (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ای که رویکرد آموزشی دارد، به بررسی نحوه برخورد دانشجویان مترجمی و مترجمان حرفه‌ای در بازگردان نمودهای تابو در ترجمه دیداری شنیداری پرداخته‌اند و راهبردهای مورد استفاده و استناد هر دو گروه را با رهیافتی توصیفی مورد واکاوی قرار داده‌اند.

در عرصه بین‌الملل و در رابطه با زبان‌های دیگر نیز مطالعاتی اندک درباره میزان یا ماهیت برگردان‌پذیری مصادیق حسن/سوء تعبیر در ترجمه، به‌ویژه گونه دیداری-شنیداری آن، انجام شده است. تقریباً نتایج همگی این پژوهش‌ها دلالت بر دشواری‌های چنین کاری دارد و منجر به استخراج شگردهایی کلی در برگردان آن‌ها شده است (ثوابته^۱، ۲۰۱۲؛ رودریگز-مدینا^۲، ۲۰۱۵). محققانی نظیر البرکتی^۳ (۲۰۱۹) نیز به بررسی نمودهای حسن تعبیر قرآنی پرداخته‌اند تا میزان بومی‌گزینی یا بیگانه‌گزینی برابرنهادهای مصادیق شمول حسن تعبیر مشخص گردد.

9. Thawabteh

10. Rodriguez-Medina

11. Albarakati

جستاری درباره‌ی حوزه‌های معنایی مصادیق سوء تعبیر در اصل و برگردان فارسی ... ۱۱

در مورد همین موضوع، الخرابشه^۱ (۲۰۱۱) پیکره‌ای زبانی مشتمل بر ۴۵۰ آگهی ترحیم را در عربی و انگلیسی مورد مقایسه قرار داد تا مشخص شود حسن تعبیرات حوزه معنایی مرگ به چه صورت در دو زبان بازتاب داده شده‌اند. نتایج حاکی از آن بود که برگردان این حوزه معنایی به واسطه چارچوب ذهنی اعتقادی متفاوت مسلمانان و «غربی‌ها» (تقدیرگرایی و جبرگرایی) همراه با نقصان معنایی بود. مطالعه صورت گرفته به دست علیمات^۲ (۲۰۱۸)، علاوه بر حسن تعبیرات حوزه مرگ، به بررسی حوزه‌های سلامت و مسائل جنسی، در شش برگردان قرآن پرداخت و ضرورت بهره‌گیری از بینامتنیت در درک و ترجمه عبارات بیان‌گر حسن تعبیر در قرآن را روشن ساخت.

در تحلیل نهائی، آنچه پژوهش فعلی را متمایز از معدود مطالعات صورت گرفته در ایران (و سایر کشورها) می‌سازد اتخاذ رویکردی معناشناسانه و سبک‌شناسانه به رخدادهای بسامد نموده‌های سوء تعبیر در کلیت یک اثر در قالب حوزه‌های معنایی که به آن انسجام می‌بخشند می‌باشد.

۱-۲ چارچوب نظری

برای مفاهیم معناشناسانه حسن/سوء تعبیر تعاریف و مفهوم‌پردازی‌های زیادی صورت گرفته که حکایت از عدم اجماع متخصصان در (باز) تعریف آن‌ها دارد. این امر در کنار این موضوع که اصولاً چنین مفاهیمی وابسته به فرهنگ‌های محیط بر زبان‌ها هستند (ثوابته، ۲۰۱۲) موجب دشواری طرح مسئله و به تبع آن منجر به انجام پژوهش‌های معدودی به دست پژوهش‌گران این عرصه گشته است. این دشواری و تحقیقات اندک آن‌چنان که اشاره شد وجه غالب و نوآورانه پژوهش‌هایی نظیر مطالعه کنونی است.

وجه اشتراک نهفته در تعاریف ارائه شده بعضی نویسندگان و محققان (آلن و باریج^۳، ۲۰۰۶) گزینش، یا دقیق‌تر بگوییم، جایگزینی واژه یا عبارتی به جای دیگری—که مثبت، منفی، یا مستقیم و خنثی می‌تواند باشد—است. اینان مفهوم کلی تعبیر را مجموعه یا پیوستاری می‌دانند که در یک سر آن نویسنده یا گوینده دست به گزینش عبارات توهین‌آمیز، به لحاظ عرف

12. Al-Kharabsheh

13. Olimat

14. Allan & Burridge

و اجتماع زشت، یا بی‌ادبانه می‌زنند و در سمت دیگر جهت احتراز از کاربرد عبارات منفی معادل‌هایی خنثی یا مثبت انتخاب می‌نمایند.

در پژوهش فعلی از طیف مفاهیم ارائه‌شده آلن و باریج (۲۰۰۶)، که به مجموعه تعابیر ایکس^۱ معروف است، جهت بررسی ماهیت معناشناسانه و میزان کاربرد عبارات بیان‌گر حسن/سوء تعبیر در متن انگلیسی رمان *ناتور دشت سلینجر* (۱۹۴۵) و برگردان فارسی آن به-دست محمد نجفی (۱۳۹۳) بهره گرفته شد. این نویسندگان مفهوم تعبیر^۲ را طیفی حاوی واژگان یا عبارات بیان‌گر حسن تعبیر، سوء تعبیر، و تعبیر مستقیم یا خنثی^۳ می‌دانند که نویسنده یا خواننده در مواجهه با آن در هر حوزه معنایی، به‌ویژه حوزه‌های معنایی حساسیت‌زا/مناقشه‌برانگیز نظیر مسائل و مفاهیم جنسی، مذهبی، و ... بسته به هدفی که دنبال می‌نمایند دست به گزینش می‌زنند. کاربران زبانی در هر مجموعه تعبیر با واژگان مترادف اما دارای ظرایف و بار معنایی بخصوصی سروکار دارند و در میان آن‌ها دست به انتخاب می‌زنند. چنین واژگانی از سوی آلن و باریج (۲۰۰۶، ص. ۲۹) مصداق ترادف میان‌گونه‌ای^۴ هستند. برای مثال، گویشوران و نویسندگان فارسی‌گوی در گفتار یا نوشتار خود از میان مجموعه مترادف‌های میان‌گونه‌ای مرتبط با حوزه معنایی مرگ (مردن، درگذشتن، ریق رحمت را سر کشیدن، سقط شدن، فوت کردن، جان به جان‌آفرین تسلیم کردن، و ...)، بسته به منظوری که دنبال می‌کنند و یا موقعیتی که در آن هستند، یکی را انتخاب و استعمال می‌نمایند.

جهت شناسایی و دسته‌بندی مقوله‌هایی که ذیل مفاهیم حسن/سوء تعبیر قرار می‌گیرند در این پژوهش از مفهوم میدان‌ها^۵ یا حوزه‌های معنایی^۶، که در معناشناسی کاربرد زیادی دارند، بهره گرفته شده است. حوزه‌های معنایی طبق تعریف از مجموعه‌ای از واژه‌های به‌هم‌پیوسته و مرتبط تشکیل می‌شوند که کمابیش یک مفهوم منسجم با طیفی از موارد شمول مختلف را می‌رسانند. طبق اظهار آلن و باریج (۲۰۰۶، ص. ۳۱)، مصادیق سوء تعبیر دم‌دست-تر و بنابراین شناسایی آن‌ها راحت‌تر از مصادیق خنثی یا حسن تعبیر است. از دید اینان سوء

15. X-phemism

16. phemism

17. orthophemism

18. cross-varietal synonymy

19. semantic fields

20. semantic domains

جستاری درباره‌ی حوزه‌های معنایی مصادیق سوء تعبیر در اصل و برگردان فارسی . . . ۱۳

تعبیر یا برای توهین، تحقیر، کوچک، و کم یا بی‌اهمیت جلوه دادن افراد یا مسائل مورد استفاده قرار می‌گیرد و یا برای تخلیه عاطفی فرد به کار می‌رود. بنابراین، گویشور فارسی‌زبانی که دیگری را با (ابله) یا بداقبالی خود را با (زرشک!) خطاب قرار می‌دهد، در هر دو موقعیت از نموده‌های زبانی سوء تعبیر استفاده کرده است.

۳. روش پژوهش

۳-۱. داده‌های زبانی

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، رمان انگلیسی *The Catcher in the Rye* اثر سلینجر (۱۹۴۵)، نویسنده‌ی شهیر آمریکایی سده بیستم، و برگردان آن به دست نجفی (۱۳۹۳)، پیکره‌ی زبانی مطالعه‌ی فعلی را تشکیل می‌دهد. علت گزینش این رمان، علاوه بر اهمیت جایگاه آن در ادبیات مدرن آمریکا و بالطبع پرمخاطب بودن آن، حضور راوی اول شخص نوجوان و عاصی داستان—هولدن کولفید اخراجی از مدرسه—بوده که عصبانیت یا سرخوردگی خود را در مواجهه با اشکالات ساختاری جامعه خود با بیانی آکنده از نموده‌های زبانی سوء تعبیر بروز می‌دهد. چنین ویژگی، اثر مزبور را از نقطه‌نظر تحلیل زبان‌شناسانه مصادیق سوء/حسن تعبیر، بیش‌ازپیش پژوهش‌پذیر می‌سازد. به‌طور خاص، لحن انتقادی نوجوان راوی داستان و نیز مسائلی که یک نوجوان پسر در جامعه آمریکا قاعدتاً با آن روبه‌روست، کتاب را مستعد بررسی و تطبیق تابوهای زبانی در زبان مبدأ و مقصد می‌کند. چالشی که نجفی به‌وضوح در برگردان مصادیق زیاد سوء تعبیر با آن مواجه بوده و کوشیده، ضمن به‌دست دادن جلوه‌های سبک‌شناسانه خاص اثر، به‌گونه‌ای که با ذائقه فرهنگی خواننده حاضر در بافت ایران هم مغایرت نداشته باشد، برگردانی قابل قبول عرضه کند؛ امری که به‌نظر در آن توفیق نسبی داشته است (احمدزاده بیانی، ۱۳۹۶).

۳.۲. روش تحلیل داده‌ها

پژوهش فعلی، ماهیتی اکتشافی^۱ دارد که به بررسی حیطه‌ای کمتر بررسی‌شده یعنی مفهوم تعبیر پرداخته تا کمکی هرچند اندک به روشن ساختن بعضی زوایا و وجوه آن، به‌ویژه درباره‌ی ماهیت معناشناسانه برگردان آن در فارسی، نماید. این پژوهش به‌شیوه‌ای توصیفی-

تحلیلی به استخراج حوزه‌های معنایی سوء تعبیر و روش‌های بازگردان آن‌ها در رمان *ناتور* دشت و برگردان آن پرداخته است.

از آنجایی که مفهوم تعبیر به یک اعتبار، وابسته به موقعیت زمینه و یا به تعبیر آلن و باریج (۲۰۰۶) درهم‌تنیده با بافت، مکان، و زمان مورداستفاده کاربران زبانی است، ارائه دسته‌بندی توصیفی جهان‌شمولی در این زمینه دشوار می‌نماید. همچنین، از آنجا که پژوهش‌های اندک و پراکنده‌ای در زبان فارسی در این زمینه صورت گرفته، در انجام این پژوهش محقق ابتدا حدود بیست درصد از فصول متن اصلی اثر (۵ فصل از مجموع ۲۶ فصل) را به دقت و در چندین نوبت مورد مطالعه قرار داد تا دسته‌بندی کلی از حوزه‌های معنایی سوء تعبیر به دست آید. این دسته‌بندی مبنای ادامه کار مطالعه و بررسی مابقی داده‌ها قرار گرفت. در این فرایند هر جا مقوله جدیدی یافت می‌شد که بسامد (نسبتاً) زیاد داشت به چارچوب توصیفی حوزه‌های معنایی تعبیر اضافه می‌شد. در نهایت نه حوزه معنایی مورداستفاده در متن انگلیسی و به تبع آن در متن برگردان فارسی اثر به شرح ذیل استخراج و مبنای دسته‌بندی و مقایسه کلمات و عبارات بیان‌گر تعبیر در مفهوم تخصصی و کلی آن در متن مبدأ و مقصد قرار گرفت (شایان ذکر است که هم‌پوشانی در بعضی مقوله‌ها به چشم می‌آید):

۱. تخلیه بدنی و اندام‌های دخیل در آن

۲. کثافت و پلیدی و بوی بد

۳. حیوانات

۴. مفاهیم و مسائل جنسی

۵. مفاهیم و موضوعات مذهبی

۶. مرگ

۷. جنون و عقب‌ماندگی ذهنی

۸. بیماری

۹. غذا

جهت حصول اطمینان از دقت در استخراج مصادیق طبقه‌های سوء تعبیر، جدولی حاوی مقوله‌های استخراج‌شده تهیه گردید و نمونه‌های سوء تعبیر در آن ثبت شدند. متن زبان اصلی و برگردان دو بار به فاصله یک‌ماه مورد مطالعه قرار گرفتند تا میزان پایایی^۱ داده‌ها

جستاری درباره‌ی حوزه‌های معنایی مصادیق سوء تعبیر در اصل و برگردان فارسی . . . ۱۵

موسوم به درون‌ارزیاب^۱ افزایش پیدا کند.

نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد این است که شناسایی مصادیق و نمودهای عینی تعبیر در معنای دقیق و فنی آن در زبان به راحتی صورت نمی‌پذیرد (هرچند به گفته آلن و باریج (۲۰۰۶) تشخیصشان از موارد حسن تعبیر آسان‌تر است). در پژوهش فعلی، محقق هم‌داستان با این صاحب‌نظران (آلن و باریج، ۲۰۰۶) که معتقدند سوء تعبیر و شناسایی موارد آن بافت‌محور است و در کلیت یک متن و اغلب در قالب یک پیوستار در یک حوزه معنایی بخصوص نمود پیدا می‌کند، شناسایی عبارات سوء تعبیر را در رابطه عرضی^۲ مصادیق هر حوزه معنایی جستجو کرد. روش کار به این صورت بود که مثلاً برای تشخیص این که از بین واژگان به کاررفته در برگردان اثر در حوزه معنایی مسائل و مفاهیم جنسی (فاحشه، بدکاره، و منحرف جنسی) کدام مصداق سوء تعبیر است هر سه را جزء موارد سوء تعبیر به‌شمار آورد. اگر چه در نگاه اول و با دیدی بافت‌گریز^۳ می‌توان استدلال کرد که منحرف جنسی در قیاس با دو واژه دیگر نوعی واژه خنثی به‌شمار می‌رود، وقتی همین واژه به کاررفته در متن، یعنی «منحرف جنسی»، در کنار واژه دیگر متن، یعنی «منحرف»، قرار می‌گیرد، خود مصداق سوء تعبیر است و واژه دوم، یعنی «منحرف»، نمود سوء تعبیر خفیف (تر) یا واژه خنثی. بنابراین در کدگذاری مصادیق از برجسب‌هایی هم‌چون (سوء تعبیر شدید، سوء تعبیر خفیف، خنثی، و در پاره‌ای موارد، حسن تعبیر) استفاده شده است.

۴. یافته‌ها و بحث

۴-۱. فهرست حوزه‌های معنایی مستخرج از داده‌های متن اصلی و بسامد مصادیق آن

از آنجایی که ماهیت مطالعه فعلی استقرایی است، همان‌طور که در قسمت روش پژوهش پیش‌تر اشاره شد، ابتدا حدود بیست درصد از فصول متن اصلی مورد تحلیل (۵ فصل از مجموع ۲۶ فصل) مورد مطالعه قرار گرفت تا چارچوبی کلی از حیطه‌های معنایی مصادیق سوء تعبیر به دست آید. در این مرحله مقدماتی، هشت حیطه معنایی شامل حیطه‌های مذهب، جنون، مسائل جنسی، حیوانات، بیماری، مرگ، غذا، تخلیه بدنی، و پلیدی/بوی بد شناسایی و

23. intra-coder

24. paradigmatic relations

25. decontextualized

مصادیق و موارد نمود آن استخراج گردید. در ادامه خوانش متن اصلی و برگردان، طبقات فعلی مبنای شناسایی عبارات سوء تعبیر قرار گرفت. پس از اتمام کار بعضی طبقات مانند حوزه معنایی بیماری، مرگ، و غذا به دلیل حضور اندک مصادیق آن‌ها در متن انگلیسی از روند گزارش یافته‌های پژوهش فعلی حذف شدند. در مجموع ۱۱۴۷ واژه یا عبارت بیان‌گر سوء تعبیر به ترتیب بسامد در شش حوزه معنایی مذهب، جنون، مسائل جنسی، حیوانات، تخلیه بدنی، و پلیدی/بوی بد در پیکره زبان مبدأ یافت شد. جدول شماره ۱ بسامد و درصد وجود مصادیق هر حوزه را به تفکیک نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: تعداد و درصد مصادیق سوء تعبیر مربوط به هر حوزه معنایی در متن انگلیسی رمان ناتور دشت

نام حوزه معنایی	تعداد مصادیق در متن زبان اصلی	درصد
۱. مذهب	۶۳۱	۵۵.۰۱٪
۲. جنون	۱۷۵	۱۵.۲۵٪
۳. مسائل جنسی	۱۶۰	۱۳.۹۴٪
۴. حیوانات	۷۷	۶.۷۱٪
۵. تخلیه بدنی	۷۶	۶.۶۲٪
۶. پلیدی/بوی بد	۲۸	۲.۴۴٪
مجموع حوزه‌های معنایی: ۶ حوزه	مجموع: ۱۱۴۷	

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بیشترین بسامد مصادیق حوزه‌های معنایی سوء تعبیر مربوط به مفاهیم مرتبط با مذهب است. در پیکره مورد بحث به کرات عباراتی حاوی واژگان در پیوند با مذهب (مسیحیت) نظیر (God و damn) یافت شد که این فراوانی را تاحدی شاید بتوان به این موضوع نسبت داد که راوی نوجوان طبق اظهار خودش فردی مذهب‌گریز به‌طور عام و به‌ویژه در پیوند با اعتقادات مذهب کاتولیک است. هم‌چنین، دو مقوله کلی جنون/عقب‌افتادگی و مسائل و مفاهیم جنسی نیز در رتبه‌های بعدی بیشترین بسامد قرار دارند که بسامد زیاد آن‌ها را می‌توان از نقطه نظر محتوایی و سبک‌شناسانه به این موضوع مرتبط دانست که راوی خود در داستان از عارضه‌ای روانی رنج می‌برد و در وهله بعد درگیر بحث‌ها و ماجراهای جنسی و تبعات ناخوشایند آن می‌شود.

جستاری درباره‌ی حوزه‌های معنایی مصادیق سوء تعبیر در اصل و برگردان فارسی ... ۱۷

۲-۴. راهبردهای برگردان مصادیق سوء تعبیر در برگردان فارسی ناتور دشت سلینجر

در بررسی داده‌های پژوهش مشخص گردید مترجم در مواجهه با انبوه کلمات و عبارات مبین سوء تعبیر در رمان انگلیسی ناتور دشت مبادرت به بهره‌گیری از راهبردهای برگردان نسبتاً متنوع زیر شده است:

۱-۲-۴. حذف (عدم ترجمه):

تحلیل داده‌های پیکره‌ی زبانی نشان داد که حذف نموده‌ها و مصادیق سوء تعبیر در برگردان اثر به دست مترجم به نحو قابل‌انتظاری پربسامدترین راهبرد اتخاذ شده است. عدم پرداختن به این‌گونه کلمات یا عبارات و نادیده‌گرفتن آن‌ها در اثر بیشتر مربوط به حوزه معنایی مسائل و مفاهیم مرتبط با مذهب صورت گرفت. این امر می‌تواند برخاسته از این موضوع باشد که ممیزی کتاب در ایران به لحاظ ساخت سیاسی و محیط مذهبی از شدت و حدت بیشتری برخوردار است و مترجم در مواجهه احتمالی با این پدیده رایج در بازار نشر و ترجمه کتاب در گزینش برگردان‌ها به تعبیری دست‌به‌عصا حرکت می‌کند (زارعی نجفداری و همکاران، ۱۳۹۳). در زیر، نمونه‌هایی از کاربرد صدها مورد راهبرد حذف مصادیق سوء تعبیر در برگردان اثر آمده است:

He was always telling me I was a goddam kid. (*The Catcher in the Rye*, 1945, p. 32)

همیشه بهم می‌گفت بچه‌م؛ (ناتور دشت، برگردان م. نجفی، ۱۳۹۳، ص. ۲۵)

They acted like they owned the damn place. (*The Catcher in the Rye*, 1945, p. 133)

همچین رفتار می‌کردن انگار اتاق خودشونه. (ناتور دشت، برگردان م. نجفی، ۱۳۹۳، ص.

۱۰۲)

۲-۲-۴. تبدیل واژه/عبارت سوء تعبیر در زبان مبدأ به واژه/عبارت سوء تعبیر در زبان مقصد

۱-۲-۲-۴. حوزه‌های معنایی یکسان در زبان مبدأ و مقصد

در بعضی حوزه‌های معنایی، به‌ویژه میدان معنایی جنون/عقب‌ماندگی ذهنی و پلیدی/بوی بد، در بسیاری موارد، نموده‌های سوء تعبیر در زبان انگلیسی به صورت سوء تعبیر در همان حوزه معنایی به فارسی برگردان شده است و اساساً حوزه معنایی در هر دو متن

یکسان است. مثال‌های زیر به وضوح بیان‌گر چنین انتقال مثبت^۱ حوزه‌های معنایی زبان مبدأ به زبان مقصد است:

She was really a moron. But what a dancer. (*The Catcher in the Rye*, 1945, p. 97)

ولی خدا، این دختره‌ی خنگ عجب می‌رقصید. (ناتور دشت، برگردان م. نجفی، ۱۳۹۳، ص. ۷۴)

"It was a stinking school. Take my word." (*The Catcher in the Rye*, 1945, p. 223)

مدرسه نکبتی گندی بود. باور کن. (ناتور دشت، برگردان م. نجفی، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۳)

۴-۲-۲. حوزه‌های معنایی متفاوت در زبان مبدأ و مقصد

برخلاف حوزه معنایی جنون و تاحدودی حوزه پلیدی و کثافت، بسیاری از مصادیق حوزه معنایی مذهب، هر جا به صورت سوء تعبیر برگردان شده‌اند، به حوزه معنایی متفاوتی بدل گشته‌اند. این امر می‌تواند ناشی از این موضوع باشد که تفاوت مذهب کاربران دو زبان و ظاهراً استفاده کمتر این حوزه سوء تعبیر در فارسی منجر به برگردان‌هایی از جنس حوزه‌هایی متفاوت از مذهب شده است. در ذیل نمونه‌هایی جهت رؤیت خوانندگان آورده شده است:

I hated that goddam Elkton Hills. (*The Catcher in the Rye*, 1945, p. 23)

واسه همینه از اون الکتن هیلز خراب شده عقم می‌گرفت. (ناتور دشت، برگردان م. نجفی، ۱۳۹۳، ص. ۱۸)

Boy, that stuff drives me crazy. That goddam Hollywood. (*The Catcher in the Rye*, 1945, p. 217)

پسر، این جور چیزا دیوونه‌م می‌کنه. هالیوود کوفتی. (ناتور دشت، برگردان م. نجفی، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۹)

۴-۲-۳. حوزه‌های معنایی فاقد برجسب مناسب در زبان مقصد

در موارد نسبتاً اندکی در بررسی و کدگذاری مصادیق برگردان سوء تعبیر، مقوله‌ها عمدتاً به دلیل عدم آگاهی از معنای لغوی واژه یا عبارت فارسی، به صورت نمود سوء تعبیر اما فاقد برجسب مناسب، ثبت و طبقه‌بندی شدند:

جستاری دربارهٔ حوزه‌های معنایی مصادیق سوء تعبیر در اصل و برگردان فارسی . . . ۱۹

"What the hellya reading?" he said. (*The Catcher in the Rye*, 1945, p. 32)

گفت «چی چرت و پرت می‌خونی؟» (ناتور دشت، برگردان م. نجفی، ۱۳۹۳، ص. ۲۵)

۳-۲-۴. تبدیل مصادیق سوء تعبیر در زبان مبدأ به مصادیق سوء تعبیر خفیف(تر) در زبان مقصد

یکی دیگر از راهبردهای مهم مورد استفاده نجفی در برگردان و انتقال نمودهای سوء تعبیر در متن انگلیسی داستان، بهره‌گیری از مصادیق خفیف(تر) سوء تعبیر در زبان فارسی است. این موضوع به مترجم اجازه می‌دهد تا ضمن انتقال وجوه شاخص سبک‌شناسانه اثر در ترجمه، به‌ویژه در ارتباط با ویژگی‌های سیاق عامیانه آن، برگردانی مناسب(تر) با ذائقهٔ مخاطبان هدف، اعم از خوانندهٔ فارسی‌زبان و یا مسئول ممیزی، به‌دست دهد:

I knew I didn't have to get all dolled up for a prostitute or anything (*The Catcher in the Rye*, 1945, p. 124)

می‌دونم لازم نبود برای این یارو تیب بزنم (ناتور دشت، برگردان م. نجفی، ۱۳۹۳، ص. ۹۳)

I started sweating like a bastard. (*The Catcher in the Rye*, 1945, p. 261)

عین‌چی شروع کردم به عرق کردن. (ناتور دشت، برگردان م. نجفی، ۱۳۹۳، ص. ۱۹۲)

۴-۲-۴. تبدیل واژه/عبارت سوء تعبیر در زبان مبدأ به واژه/عبارت حسن تعبیر در زبان مقصد

یکی دیگر از راهبردهای اتخاذشدهٔ مترجم نجفی تبدیل مصادیق سوء تعبیر در متن اصلی اثر به مصادیق حسن تعبیر یا خنثی در برگردان فارسی است. در چنین مواردی سعی شده است دست کم در برابرگزینی، سیاق عامیانهٔ واژگان و عبارات جایگزین حفظ شود. این امر به‌طور ویژه در مورد دو حوزهٔ معنایی مسائل جنسی و مذهب مورد استفاده قرار گرفته است:

"Maybe I'll go to China. My sex life is lousy," I said. (*The Catcher in the Rye*, 1945, p. 196)

گفتم «شاید رفتم چین. زندگی خصوصی من که خیلی مزخرفه.» (ناتور دشت، برگردان م. نجفی، ۱۳۹۳، ص. ۱۴۵)

I was getting excited as hell, the more I thought about it (*The Catcher in the Rye*, 1945, p. 176)

بدجوری هیجان‌زده شده بودم. هرچی بیشتر فکرشو می‌کردم (ناتور دشت، برگردان م. نجفی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۱)

۳-۴. مهم‌ترین راهبردهای حسن‌تعبیرسازی

یکی از یافته‌های قابل‌تأمل این پژوهش راهکارهایی است که مترجم در جهت تبدیل بعضی مصادیق سوء تعبیر به حسن تعبیر—البته تا آن‌جا که به انعکاس سبک متن اصلی در برگردان فارسی خللی وارد نشود—به‌کار برده است:

۱-۳-۴. حسن تعبیر اشاره‌ای

در این راهبرد خلق یا گزینش نمودهای حسن تعبیر، مترجم اثر برای احتراز از کاربرد مصادیق ناخوشایند سوء تعبیر از کلمه یا عبارتی حاوی اشاره نظیر «همچین» یا «این‌کاره» استفاده کرده است:

When something **pervery** like that happens, I start sweating like a bastard. (*The Catcher in the Rye*, 1945, p. 256)

هر وقت همچین اتفاقی برام می‌افتد، حسابی عرق می‌کنم. (ناتور دشت، برگردان م. نجفی،

۱۳۹۳، ص. ۱۸۸)

I figured if she was **a prostitute** and all, I could get in some practice on her (*The Catcher in the Rye*, 1945, p. 125)

فکر کردم اگه اینکاره باشه می‌تونم باهاش تمرین کنم (ناتور دشت، برگردان م. نجفی،

۱۳۹۳، ص. ۹۴)

۲-۳-۴. حسن تعبیر شدت

راهبرد دیگری که مترجم در برگردان مصادیق سوء تعبیر حوزه مذهب برگزیده است، استفاده از عبارات بیان شدت و وحدت در گزینش یا وضع برابرنهاده‌ها بوده است. چنین انتخابی از این حیث که زبان فارسی منابع زبانی غنی برای انتقال شدت هم در سیاق رسمی یا آکادمیک خود و هم سیاق عامیانه دارد گزینشی منطقی و هوشمندانه به‌نظر می‌رسد:

He started getting **serious as hell**. (*The Catcher in the Rye*, 1945, p. 12)

داشت کم کم حسابی جدی می‌شد. (ناتور دشت، برگردان م. نجفی، ۱۳۹۳، ص. ۱۲)

به‌طور کلی به‌نظر می‌رسد مترجم اثر، نجفی، با وسواس خاصی که در ساخت یا گزینش برابرنهاده‌ها به‌خرج داده است، کوشیده تا تعادلی میان حفظ سیاق زبان عامیانه و به‌شدت حاوی نمودهای سوء تعبیر رمان *ناتور دشت* و الزامات بیرونی مذهبی، اخلاقی، و قانونی یا عرفی اجتماعی که در آن زندگی می‌کرده‌است برقرار سازد. به‌باور احمدزاده بیانی

جستاری دربارهٔ حوزه‌های معنایی مصادیق سوء تعبیر در اصل و برگردان فارسی ... ۲۱

(۱۳۹۶). وی در انتقال و انعکاس صدای انتقادی هولدن کالفیلد، شخصیت نوجوان داستان، موفق عمل کرده‌است.

دربارهٔ راهبردهای به‌کاررفته باید اظهار داشت که بعضی از پژوهشگران درزمینهٔ برگردان‌پذیری مصادیق حسن/ سوء تعبیر در زبان‌های دیگر کمابیش در تحلیل‌های خود به برخی از این راهبردها دست یافته و به آن‌ها اشاره نموده‌اند. برای مثال، ثوابته (۲۰۱۲) در تحلیلی زبان‌شناختی زیرنویس‌های یک فیلم عربی مصری را مورد مطالعه قرار داد و راهبردهایی نظیر حذف مصادیق و یا حفظ آن‌ها را که در پژوهش فعلی نیز اتخاذ شده‌اند در میان روش‌هایی می‌داند که تهیه‌کنندهٔ زیرنویس فیلم به آن‌ها در برگردان خود متوسل شده است. تا آن‌جا که به زبان فارسی مربوط می‌شود پژوهشگرانی نظیر قاضی‌زاده و مردانی کلاته قشلاق (۱۳۹۱) و شریفی و دارچینیان (۱۳۸۷) کمابیش به بعضی از این راهبردها در خلال مطالعهٔ خود دست یافته‌اند هرچند آن پژوهش‌ها با رهیافتی معناشناسانه در پی شناسایی و استخراج راهبردهای برگردان نموده‌های جمعی حوزه‌های کلی و نسبتاً فراگیر معنایی آثار مورد تحلیل خود نبوده‌اند.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به شناسایی حوزه‌های معنایی مورد استفاده در رمان *ناتور دشت* سلینجر، که آکنده از مصادیق سوء تعبیر به‌ویژه در بیان راوی نوجوان عاصی است، پرداخت. در این خصوص رمان انگلیسی *ناتور دشت* سلینجر گزینش و بررسی شد تا میدان‌های معنایی نمود سوء تعبیر در آن مشخص شود و متعاقباً سنجشی میان موارد سوء تعبیر در اصل انگلیسی اثر و برگردان فارسی آن، به‌کوشش نجفی که یکی از برگردان‌های پرفروش بوده، با محوریت حوزه‌های شناسایی‌شدهٔ مزبور صورت بگیرد. بررسی رمان *ناتور دشت* نه حوزهٔ معنایی بیان سوء تعبیر در اصل انگلیسی اثر (تخلیهٔ بدنی، مسائل جنسی، مذهب، حیوانات، جنون و عقب‌ماندگی ذهنی، کثافت، بیماری، غذا، و مرگ) به‌دست داد که در گزارش نتایج تصمیم بر آن شد تا سه مقولهٔ انتهایی یعنی بیماری، غذا، و مرگ به‌دلیل رخداد بسیار اندکشان از گزارش یافته‌های تحقیق حذف گردد. یافته‌ها به‌وضوح حاکی از آن بود که سه حوزهٔ معنایی مذهب، جنون، و مسائل جنسی به‌ترتیب فراوانی موارد در حدود ۸۵٪ از کل مصادیق سوء تعبیر را تشکیل می‌دادند. به‌علاوه، دربارهٔ راهبردهای برگردان اتخاذشده به‌دست نجفی، راهبردهای حذف، انتقال یکسان مصادیق حوزه‌های معنایی، انتقال متفاوت مصادیق حوزه‌های

معنایی، تبدیل مصادیق سوء تعبیر شدید به خفیف، و تبدیل مصادیق سوء تعبیر به موارد بیان حسن تعبیر، بیشترین بسامد را در میان داده‌های فارسی مورد بحث داشتند. هم‌چنین، پس از بررسی دقیق معادل‌های بیان حسن تعبیر به دست مترجم، مشخص گردید وی از راهبردهای بخصوصی نظیر راهبرد اشاره‌ای و راهبرد شدت در بیان عبارات حاوی سوء تعبیر در متن انگلیسی بهره برده‌است.

پژوهش‌های آتی می‌توانند برگردان‌های متفاوت اثر فعلی را از حیث ماهیت و نحوه بازتاب حوزه‌های معنایی یاد شده مورد مطالعه تطبیقی قرار دهند. هم‌چنین، می‌توان با اتخاذ رویکردی در زمانی به بررسی تغییرات برگردان نمودهای سوء تعبیر، به‌ویژه در دوره‌های تاریخی متفاوت و ذیل ساختارهای سیاسی متفاوت، پرداخت. در پایان، ذکر این نکته ضروری است که با توجه به حجم نسبتاً محدود داده‌های پژوهش فعلی، که یکی از محدودیت‌های چنین مورد پژوهی‌هایی به‌شمار می‌رود، مطالعات پیکره‌بنیاد آتی می‌توانند از ابزار زبان‌شناسی رایانشی در جهت دستیابی به یافته‌های قابل‌تعمیم‌تر بهره‌برند.

۶. منابع و مأخذ

فارسی

احمدزاده بیانی، ب. (۱۳۹۶). بررسی دیالکتیک هنر در «ترجمه ادبی» بر اساس نظریات تئودور آدورنو و والتر بنیامین: نقد ترجمه رمان ناتور دشت. *مطالعات زبان و ترجمه*. ۵۰ (۱). ۱۰۶-

۸۷.

باقری، م. (۱۳۹۵). بررسی حسن تعبیر در ترجمه رمان چهره به یغمارفته رویکرد ترجمه. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه الزهرا.

زارعی نجفداری، ع.، سمیعی گیلانی، ا.، بلخاری، ح.، احدی، ح.، و شجاعی جشوقانی، م. (۱۳۹۳). ممیزی کتاب و مشکلات آن. *فصلنامه نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات*. ۱ (۳ و ۴). ۲۱۱-۲۲۰.

زندى، ب.، بحرینی، م.، سبزواری، م.، و مهدی‌بیرقدار، ر. (۱۳۹۷). بررسی اجتماعی-شناختی تابو و حسن تعبیر در ساختارهای عبارات، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی. *جستارهای زبانی*. ۹ (۶). ۳۱۷-۳۳۴.

شریفی، ش.، و دارچینیان، ا. (۱۳۸۷). بررسی نمود زبانی تابو در ترجمه به فارسی و پیامدهای آن. *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. ۱ (۱). ۲۷-۴۹.

جستاری درباره‌ی حوزه‌های معنایی مصادیق سوء تعبیر در اصل و برگردان فارسی . . . ۲۳

عرب باسط‌آبادی، ع.، و افضلی، ف. (۱۳۹۷). بررسی سازوکارهای حسن تعبیر در ترجمه تابوهای رمان الهویی از هیفا بیطار. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. ۸(۱۹). ۵۷-۸۰. doi: 10.22054/rctall.2018.32925.1320

قاضی‌زاده، خ.، و مردانی کلاته قشلاق، و. (۱۳۹۱). بررسی راهبردهای مترجمان در ترجمه‌ی تابوهای غربی در دوبله‌ی فیلم‌های انگلیسی‌زبان به فارسی. *مطالعات زبان و ترجمه*. ۴۵(۱). ۸۵-۹۹.

سلینجر، جی. دی. (۱۳۹۳). *ناتور دشت*. (ویراست دوم) (م. نجفی، مترجم). تهران: انتشارات نیلا.

مه‌دیزادخانی، م.، نوروزی، ع.، و شکوهمند، ف. (۱۳۹۸). ترجمه‌ی فارسی تابوهای زبانی فیلم پالپ فیکش: مقایسه‌ی ترجمه‌ی دانشجویی و حرفه‌ای. *مطالعات زبان و ترجمه*. ۵۲(۱). ۱۰۹-۱۲۸.

میرزاسوزنی، ص. (۱۳۸۵). کاربرد حسن تعبیر در ترجمه. *مطالعات ترجمه*. ۴(۱۴). ۲۳-۳۴.

انگلیسی

- Albarakati, M. (2019). Translated Qur'an euphemisms: Foreignised or domesticated? *Asia Pacific Translation and Intercultural Studies*, 6(1), 31-45.
- Al-Kharabsheh, A. (2011). Arabic death discourse in translation: Euphemism and metaphorical conceptualization in Jordanian obituaries. *Across Languages and Cultures*, 12(1), 19-48.
- Allan, K. (2009). The connotations of English colour terms: Colour-based X-phemisms. *Journal of pragmatics*, 41(3), 626-637.
- Allan, K., & Burridge, K. (2006). *Forbidden words: Taboo and the censoring of language*. Cambridge University Press.
- Olimat, S. N. (2018). Developing a model for translating euphemism in the Qur'an: An intratextual-and contextual-based approach. *Advances in Language and Literary Studies*, 9(6), 101-111.
- Rodríguez-Medina, M. J. (2015). Appraising the translation of dysphemisms: Insights into the Spanish crime film dubbese. *InTRAlinea: Online Translation Journal*, 17. 1-11.
- Salinger, J. D. (1945). *The catcher in the rye*. New York: Random House.
- Thawabteh, M. A. (2012). The translatability of euphemism and dysphemism in Arabic-English subtitling. *Lexis. Journal in English Lexicology*, (7). 45-56.

An Investigation into the Semantic Domains of Dysphemistic Forms in *The Catcher in the Rye* and its Persian Translation and their Translation Strategies¹

Alireza Rasti²

Abstract

This study sought to identify the semantic domains of the various realizations of dysphemism in *The Catcher in the Rye* and its Persian translation. It also aimed at spotting the translation strategies employed by Translator Najafi in rendering them into Persian. The novel was chosen as it encompasses quite a lot of dysphemistic expressions in the first-person account of the teenage narrator. In an initial pilot phase of analysis, six general semantic domains of relieving, sex, religion, animals, insanity, and dirt were spotted to guide the rest of data analytic procedure. The three semantic fields of religion, insanity, and sex accounted for approximately 85% of all cases of occurrence of dysphemism. In regard to the translation strategies used by Najafi, the following strategies were identified as playing a significant role in rendering the realizations: deletion, transfer of identical semantic domains, transfer of different semantic domains, change of instances of strong dysphemism into those of mild one, and finally change of cases of dysphemism into those of euphemism. Studies such as these are liable to contribute to advancement of further research and discussions on the as yet under-researched area of dysphemism.

Keywords: Semantic domains, Dysphemism, Fiction, *The Catcher in the Rye*, Salinger, Najafi

1. This paper was received on 17/12/2020 and approved on 30.08.2021.

2. Assistant Professor in Applied Linguistics, Department of English Language Teaching, Faculty of Literature and Humanities, Salman Farsi University of Kazerun, Iran; email: a.rasti@kazerunfu.ac.ir